

روش قرآن در ترغیب به عمل صالح از طریق تقویت انگاره‌های اعتقادی (مطالعه موردی تأثیر خداابوری بر صفح)*

- غلامحسین گرامی^۱
- نرگس جعفری^۲

چکیده

یکی از اصول مهم در تحلیل رفتارهای انسان، توجه به مبادی آن‌ها یعنی اعتقادات و باورهاست. به همین دلیل، یکی از روش‌های قرآن برای انجام دستورات الهی، تقویت انگاره‌های اعتقادی است. قرآن برای تنظیم حیات اجتماعی مسلمانان، احکام و دستورات فراوانی دارد که یکی از آن‌ها صفح - گذشت و بخشش از لغزش دیگران با بزرگواری و خوشرویی - است. مسئله تحقیق حاضر این است که خداوند برای ترغیب مسلمانان به صفح، کدام انگاره‌های اعتقادی را تقویت کرده و این انگاره‌ها با چه تحلیلی به صفح ارتباط پیدا می‌کنند. براساس آموزه‌های قرآنی، اعتقاد به قدرت بی‌پایان خداوند، موانع روان‌شناختی صفح مانند حس انتقام‌جویی و احساس خواری و ذلت را از میان برمی‌دارد. اعتقاد به خالقیت و علم الهی موجب پذیرش درونی حکم الهی در مورد صفح از

* تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۱/۲ - تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۴/۷.

۱. استادیار گروه مبانی نظری اسلامی دانشگاه معارف اسلامی (نویسنده مسئول) (gerami@maaref.ac.ir).
۲. دانشجوی دکتری مبانی نظری اسلام دانشگاه معارف اسلامی (n.jafari2019@mailfa.com).

آنهایی که ظلمی بر آنها روا داشته‌اند، می‌شود. همچنین باور به غفران و رحمت خداوند موجب تشویق مؤمنان و احساس خداگونگی در صورت گذشت کریمانه از دیگران می‌شود. این تحقیق با روش توصیفی-تحلیلی و بر اساس مطالعات کتابخانه‌ای در منابع قرآنی و تفسیری انجام شده است.

واژگان کلیدی: روش تربیتی، خداباوری، صفح، قرآن، قدرت، خالقیت، مغفرت.

۱. طرح مسئله

قرآن کریم با تبیین تکالیف فردی و اجتماعی، زمینه را برای راهنمایی و سعادت انسان فراهم کرده است. البته قرآن برای سوق دادن انسان‌ها به سوی سعادت، صرفاً به ارائه دستورات اخلاقی و تکالیف فقهی بسنده نکرده است؛ بلکه عموماً همراه با این گونه اوامر و نواهی، تلاش کرده از انحاء روش‌ها برای ترغیب مؤمنان به افعال صالح و اجتناب از افعال نادرست استفاده کند. از جمله این روش‌ها می‌توان به تشویق، تنبیه، اشاره به پیامدهای عمل، ارائه الگوها و مانند آن اشاره کرد (گرامی و جعفری، ۱۳۹۸: ۱۲۷-۱۱۸). یکی از روش‌های مهم قرآن برای این مقصود (ترغیب به عمل صالح و اجتناب از عمل قبیح)، تقویت انگاره‌های اعتقادی مسلمانان و توجه دادن دائم به آنهاست. بر همین اساس، در اغلب موارد که دستور به انجام عملی مثل اقامه نماز، انفاق، جهاد، روزه، حج و... می‌دهد، به شکل مناسبی به اوصاف خداوند، معاد، هدفمندی آفرینش و مانند آن اشاره می‌کند که در ادامه تحقیق به مصادیقی از آن خواهیم پرداخت.

اصل تأثیرپذیری عواطف، احساسات، رفتارها و سبک زندگی انسان‌ها از نظام باورها و اعتقادات آنها در تحقیقات متعددی به اثبات رسیده است که در پیشینه به آن اشاره خواهد شد. هدف تحقیق حاضر این است که نشان دهد خداوند متعال در قرآن کریم بر اساس همین مطلب (تأثیرگذاری باورها بر رفتارها)، به شکل ظریف و روان‌شناسانه‌ای در اغلب موارد همراه با امر به نیکی‌ها، به باورها و اعتقادات مرتبط با آن عمل خاص توجه داده است تا رغبت بیشتری در مؤمنان برای انجام عمل صالح ایجاد شود.

با توجه به گستردگی این اصل قرآنی در آیات بسیار فراوان، این مقاله به شکلی ویژه به «تأثیر خداباوری بر صفح» پرداخته و نشان داده است که خداوند متعال در هر آیه‌ای

از قرآن که دستور به صفح داده، کدام یک از اوصاف الهی را که توجه به آن‌ها موجب رغبت مسلمانان به صفح می‌شود، متذکر شده است و توجه به هر کدام از این اوصاف، چگونه بر عواطف و عملکرد انسان تأثیرگذار است.

اهمیت و ضرورت تحقیق حاضر آن است که علاوه بر آشنایی با یک اصل مهم آموزشی و تربیتی در قرآن یعنی تقویت انگاره‌های اعتقادی افراد جهت ترغیب آن‌ها به عمل صالح می‌توان از این الگوی ارزشمند قرآنی در آموزش و تربیت دینی فرد و جامعه به خوبی بهره برد.

تحقیق حاضر به روش توصیفی - تحلیلی و بر اساس آیات قرآن و منابع تفسیری صورت گرفته است. بنابراین تبیین رابطه انگاره‌های اعتقادی و عمل صفح که در آیات آمده، با محوریت آرای مفسران صورت گرفته و از تحلیل‌های شخصی اجتناب شده است.

۲. پیشینه تحقیق

تأثیر باورها و اعتقادات انسان و جامعه انسانی بر اعمال و رفتارهای فرد و جامعه، یک اصل پذیرفته‌شده در روان‌شناسی و جامعه‌شناسی است. برخی محققان در مقاله‌ای با عنوان «بررسی رابطه جامعه‌شناختی باورهای دینی و سبک زندگی بر اساس نظریه و روش گافمن، مطالعه موردی کرمانشاه ۱۳۸۳» گزارش تحقیق خود را منعکس کرده و نتیجه گرفته‌اند که سبک‌های زندگی افراد تحت تأثیر اعتقادات و باورهای آنان است (ابوالحسن تنهایی و خرمی، ۱۳۸۹: ۱۹-۳۲). دورکیم در کتاب *صور/ ابتدایی حیات دینی بر تأثیر جهان‌بینی‌ها و ایدئولوژی‌ها بر شیوه زندگی اجتماعی تأکید می‌ورزد* (دورکیم، ۱۳۸۳).

نگارنده کتاب *سبک زندگی اسلامی - ایرانی* از رابطه دوسویه اعتقادات و سبک زندگی نتیجه می‌گیرد که می‌توان با بررسی سبک زندگی افراد به وضعیت دینی و اعتقادی آن‌ها پی برد (شریفی، ۱۳۹۰: ۶۳). بوردیو اعتقادات و باورها را از مؤلفه‌های تأثیرگذار بر سبک زندگی معرفی می‌کند (مه‌دوی کنی، ۱۳۸۶: ۱۶۶).

در تحقیقی مستقل، رابطه بین سبک زندگی و هویت ایرانی بررسی و نشان شده است که سبک زندگی افراد، رابطه معناداری با هویت دینی آنان دارد (رفعت‌جاه و وفادار، ۱۳۹۳: ۱۱۳-۱۳۷).

کتز گرو^۱ در تحقیقی روشن کرده است که سبک زندگی فرد و جامعه، تحت تأثیر دین و دینداری است (فاضلی، ۱۳۸۲: ۶۵). مک کی سبک زندگی اجتماعی را الگویی می‌داند که از ارزش‌ها و باورهای مشترک برخاسته است (نیازی، ۱۳۹۲: ۱۷۸).

والترز بر تأثیر نظام باورها بر افعال، عواطف و احساسات انسان تأکید می‌کند (Walters, 2006: 165 & 214). بوردیو به شکلی ویژه، تأثیر معرفت دینی بر سبک زندگی اجتماعی را نشان می‌دهد (Bourdieu, 2013: 640). کریگر نیز بر تأثیر باورها بر سبک زندگی، افکار، احساسات و رفتارها تأکید می‌کند (Krieger, 2014: 29-59).

بسیاری معتقدند که نه فقط باورهای فردی بلکه باورهای اجتماعی و فرهنگی نیز بر رفتارها و عادات تأثیرگذارند (Chin, 2009: 59; Pensley, 2000: 112-126).

جین میدو و راس نیسون در کتابی با عنوان *چگونه باورهای مسیحیان بر رفتارهای آنان تأثیر می‌گذارد*، می‌گویند رفتارهای ما از نظام ارزش‌هایمان و نظام ارزش‌هایمان از باورها نشئت می‌گیرند (Mead, 2008: 8-12).

۳. واژه‌شناسی صفح

صفح به معنای مجازات نکردن کسی است که مستحق مجازات است: «الصفح ترك عقوبة المستحق» (فیروزآبادی، ۱۴۱۵: ۴/۴۱۰) و نیز به معنای اغماض و نادیده گرفتن خطا (قرشی، ۱۳۷۱: ۴/۱۳۱) و گذشت و آمرزش، و کرده را ناکرده فرض کردن (شعرانی، ۱۳۷۵: ۲/۴۷) و درگذشتن و نکوهش نکردن است؛ چنان که گفته‌اند: گاه انسان می‌بخشد و عفو می‌کند، ولی در نمی‌گذرد (راغب اصفهانی، ۱۳۸۸: ۲/۴۱۴). امام رضا علیه السلام در مورد معنای صفح در آیه شریفه «فَاَصْفَحَ الصَّفْحَ الْجَمِيلَ» می‌فرماید: «العفو من غیر عتاب» (صدوق، ۱۳۷۸: ۱/۲۹۴)؛ علاوه بر عفو و گذشت نباید سرزنشی هم به دنبال داشته باشد.

صفح در اصل به معنای پهلو و جانب و روی هر چیز است؛ مثل صفحه صورت، صفحه شمشیر و صفحه سنگ (جوهری، ۱۳۷۶: ۱/۳۸۲؛ فراهیدی، ۱۴۰۹: ۳/۱۲۲) و نیز

1. Katz Geroo.

به معنای اعراض کردن (صاحب، ۱۴۱۴: ۴۶۴/۲) آمده است و «أعرض عن ذنبه» یعنی از گناه او اعراض (چشم‌پوشی) کرد و در واقع، صفحه صورت خویش را از او برگرداند (حسینی واسطی زبیدی، ۱۴۱۴: ۱۲۱). «صفح» مانند «عفو» است، لیکن از عفو بلیغ‌تر و رساتر است؛ زیرا در صفح علاوه بر گذشت از خطای فرد، هیچ گونه عتاب و سرزنشی را نیز به دنبال ندارد و اینکه شخص با فرد خطاکار، با روی گشاده برخورد می‌کند، گویی اصلاً خطایی از طرف مقابل ندیده است؛ لذا گاهی انسان عفو می‌کند، اما صفح نمی‌کند: «وقد يعفو الإنسان ولا يصفح. قال: ﴿فَاصْفَحْ عَنْهُمْ وَقُلْ سَلَامٌ﴾».

علامه طباطبایی می‌فرماید: یک معنای اضافه در صفح هست و آن عبارت است از روی خوش نشان دادن. پس معنای «صفحت عنه» این است که علاوه بر اینکه عفو کردم، روی خوش هم به او نشان دادم و یا این است که به روی خود نیاوردم. اینکه آن صفحه‌ای را که گناه و جرم او را در آن ثبت کرده بودم، ورق زد و به صفحه دیگر رد شدم. معنای پایانی، از ورق زدن کتاب گرفته شده، گویا کتاب خاطرات او را ورق زده است (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۱۳/۲۸۰).

بدین ترتیب صفح بالاتر از عفو است؛ چرا که در عفو از خطا یا گناه شخص می‌گذرد، اما در صفح علاوه بر گذشت، رفتاری نشان می‌دهد که همراه با تبسم و خوشرویی است. لذا پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مأموریت می‌یابد که نسبت به دشمنان خود، که حضرت را آزار و اذیت می‌کردند، با صفح رفتار کند و این صفح را با جمیل توصیف می‌نماید؛ یعنی همراه با زیبایی و جمال، نه تنها بدون کيفر و عتاب بلکه با واکنشی مثبت: ﴿وَإِنَّ السَّاعَةَ لَأْتِيَةٌ فَاصْفَحِ الصَّفْحَ الْجَمِيلَ﴾ (حجر/ ۸۵).

۴. اهمیت صفح در قرآن

زندگی انسان ناگزیر از تعامل و معاشرت با دیگر افراد است. زندگی اجتماعی به طور طبیعی، توأم با برخوردها، تضادها و کشاکش‌هاست. همه نظام‌های اجتماعی - از جمله اسلام - برای اجتناب از برخورد در جامعه، حقوق و وظایفی را برای ایشان تعیین کرده‌اند. ولی متأسفانه گاهی این رفتارها از چهارچوب قوانین الهی و اجتماعی خارج شده و به خطاهایی منجر می‌شود که یا از روی جهالت و ناآگاهی یا از روی عناد و دشمنی،

موجب ظلم و تضییع حقوق دیگران می‌شود. در این میان، انسان مؤمن بر طبق آموزه‌های مکتب انسان‌ساز اسلام در مواجهه با این تخلف‌ها، ضمن انجام وظایف دینی مانند امر به معروف و نهی از منکر، راه بردباری و گذشت را در پیش می‌گیرد و با پیروی از پیشوایان دینی، شیوه عفو و صفح و نادیده گرفتن خطا را مورد نظر قرار می‌دهد (تغابن/ ۱۴).

صفح از سفارش‌ها و توصیه‌های قرآن به مؤمنان و یکی از ارزش‌های مهم اخلاقی است و از جایگاه بسیار والایی در فرهنگ قرآن و اسلام برخوردار است؛ زیرا از یکسو جلوه‌ای از وصف «صفح» در اسماء حسناى الهی است و از سوی دیگر، تأسی به اسوه حسنه، پیامبر رحمت است و می‌تواند زمینه نصرت و یاری خداوند به بندگان را ایجاد کند و آنان را بر دشمنانشان یاری دهد. یکی از مهم‌ترین راه‌های جلب غفران الهی، عفو و صفح است و گفته شده که بندگان خدا باید ببخشند و ببخشایند تا خداوند نیز آنان را ببخشد. لذا می‌فرماید: ﴿وَلْيَغْفُوا وَلْيَصْفَحُوا أَلَا تُحِبُّونَ أَنْ يَغْفِرَ اللَّهُ لَكُمْ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ﴾ (نور/ ۲۲).

توجه به این نکته لازم است که برخی مفسران، آیات صفح را منسوخ با آیات جهاد می‌دانند و می‌گویند دستور به صفح موقتی بوده، مربوط به زمانی است که مسلمانان در ضعف بودند، اما با توجه به اینکه این دستور (صفح) در سوره‌های مدنی نیز آمده است، مانند سوره بقره، سوره نور، سوره تغابن و سوره مائده، که در بعضی به پیامبر ﷺ دستور صفح و عفو داده شده و در بعضی به مؤمنان، روشن می‌شود که این یک دستور عمومی و ابدی است و اتفاقاً هیچ منافاتی با دستور جهاد ندارد؛ زیرا هر یک از این دو، جای مخصوص به خود دارند؛ در جایی باید با عفو و گذشت پیشرفت کرد و زمانی که عفو و گذشت، سبب جرئت و جسارت و سوءاستفاده طرف گردد، چاره‌ای جز شدت عمل نیست (مکارم شیرازی، ۱۳۸۳: ۱۱/۱۲۹).

۵. رابطه خداباوری با صفح

از منظر قرآن کریم، زندگی اسلامی حوزه‌های متعددی دارد که برخی از آن‌ها (اعتقادات و باورها) به عنوان زیربنا و مبنای زندگی اسلامی هستند و برخی دیگر، مؤلفه‌ها و رویکردهای عملی رفتاری، فردی و اجتماعی می‌باشند که نقش عملی و

کاربردی در زندگی اسلامی دارند. یکی از مبانی اصلی سبک زندگی دینی، «خداباوری» است. کسی که در زندگی خود به خداوند معتقد بوده و باور داشته باشد که نیرویی برتر، تمام زندگی او را مدیریت می‌کند، یقیناً در انتخاب سبک زندگی‌اش تأثیر داشته و سعادت دنیا و آخرت او را رقم می‌زند. هر انسانی برای رسیدن به کمال و سعادت دنیا و آخرت نیازمند است تا نقش اعتقادی وجود و صفات خداوند بر تمام ابعاد زندگی‌اش را شناخته و به آن‌ها عمل نماید. به همین دلیل، قرآن همراه با دستورات دینی و اخلاقی، اصول اعتقادی مانند خداباوری و معادباوری را مورد توجه قرار داده است. دستور به صفح نیز از این قاعده مستثنا نیست. بررسی آیات قرآن نشان می‌دهد که خداوند متعال در کنار فرمان به صفح، مؤمنان را متوجه برخی از اوصاف الهی مانند قدرت، علم، خالقیت، غفران، رحمت و محبت کرده است. در ادامه تحقیق ضمن بررسی این موارد، تلاش می‌شود تحلیلی از رابطه اعتقاد به هر کدام از اوصاف الهی یادشده با زمینه‌سازی روانی و در نتیجه صدور فعل صفح با تکیه بر آرای تفسیری ارائه شود. توجه به آرای تفسیری برای آن است که اندیشه‌ها و تحلیل‌های خود را به قرآن تحمیل نکرده باشیم.

۱-۵. تأثیر اعتقاد به قدرت خداوند بر صفح

یکی از صفات الهی که از دیدگاه قرآن، باور به آن تأثیر شگرفی بر گذشت و بخشش دیگران دارد، قدرت است. این صفت در قرآن بارها به شکل‌های مختلف (قادر، قدیر، یقدر و...) به خداوند نسبت داده شده است. قدرت از نظر لغوی به معنای توانستن و توانایی داشتن است. برخی هم گفته‌اند وقتی به خدا نسبت داده می‌شود، به معنای نفی عجز از اوست (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۶۵۷).

اعتقاد به قدرت بی‌پایان خداوند، آثار و برکات متعددی در حوزه رفتار انسانی دارد. در قرآن بارها به این رابطه مهم تصریح شده است که از جمله آن‌ها می‌توان به ارتباط باور به قدرت الهی با سبقت در نیکی‌ها (بقره/ ۱۴۸)، صبر بر مصائب (آل عمران/ ۱۶۵)، عفو اشتباهات دیگران (نساء/ ۱۴۹)، رفتن به جنگ و جهاد (توبه/ ۳۹) و مانند آن‌ها اشاره کرد. خداوند در آیه شریفه ﴿وَدَّ كَثِيرٌ مِّنْ أَهْلِ الْكِتَابِ لَوْ يَرُدُّونَكُمْ مِنْ بَعْدِ إِيمَانِكُمْ كَفَارًا حَسَدًا

مِنْ عِنْدِ أَنْفُسِهِمْ مَنْ بَعْدَ مَا تَبَيَّنَ لَهُمُ الْحَقُّ فَأَعْفُوا وَاصْفَحُوا حَتَّى يَأْتِيَ اللَّهُ بِأَمْرِهِ إِنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ (بقره/۱۰۹)، پس از فرمان به صَفْح، صفت قدرت خداوند را متذکر می‌شود. همان گونه که علامه طباطبایی بارها در تفسیر شریف المیزان متذکر شده است، بیان اوصاف الهی در پایان آیات، ربط وثیقی با محتوای آیه دارد (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۲۰۲/۵، ۲۸۰/۱۲ و ۴۸۱). بنابراین توجه دادن به قدرت بی‌پایان خداوند، ضرورتاً رابطه وثیقی با انجام این فرمان الهی (صَفْح) دارد.

بر اساس آیات قرآن و آراء تفسیری، رابطه بین اعتقاد به قدرت نامحدود خداوند و صَفْح از دیگران، به سه شکل قابل تبیین است. اولین تبیین، رفع مانع روان‌شناختی است؛ به این معنا که یکی از مهم‌ترین موانع روان‌شناختی گذشت از کسانی که ظلمی به ما کرده‌اند این است که آن‌ها را مستحق عقوبت و جزای عملشان می‌دانیم، پس حق خود می‌دانیم چنانچه قدرت داشته باشیم، از آن‌ها انتقام بگیریم. اعتقاد به قدرت الهی و اینکه چنانچه آن‌ها مستحق عقوبت باشند، او می‌تواند آن‌ها را در دنیا و آخرت عقاب فرماید، تأثیر مهمی در رفع این مانع و صدور رفتار کریمانه از سوی مؤمنان دارد. از همین رو، بسیاری از مفسران تأکید کرده‌اند که توجه دادن به قدرت الهی در پایان آیه، ناظر به قدرت خداوند بر انتقام و تعذیب ایشان در دنیا و آخرت است (طبرسی، بی‌تا: ۳۱۲/۱؛ همو، ۱۴۱۲: ۱۵۰-۱۴۹/۱؛ کاشانی، بی‌تا: ۷۰/۱؛ کاشفی، بی‌تا: ۳۴). پس گویی خداوند می‌فرماید من قدرت هر گونه انتقامی را دارم و لازم نیست که شما به فکر انتقام باشید. مانع دیگری که ممکن است برای انجام این دستور الهی (صَفْح از اهل کتاب) برای شخص مسلمان پیش بیاید، عدم رضایت نفس به این فرمان است. این مشکل در جوامع دینی به وفور مشاهده می‌شود و با اندکی تأمل در اطراف خود، مصادیق متعددی از آن را مشاهده می‌کنیم. افراد زیادی هستند که نسبت به برخی احکام و عبادات کاملاً فرمانبردارند، ولی نسبت به برخی دیگر از فرامین الهی، اطاعت‌پذیری کاملی ندارند؛ مثلاً نماز و روزه و... را انجام می‌دهد، ولی اخلاق تندی دارد، تواضع ندارد،

۱. بسیاری از اهل کتاب، پس از اینکه حق برایشان آشکار شد، از روی حسدی که در وجودشان بود، آرزو می‌کردند که شما را بعد از ایمانتان کافر گردانند. پس عفو کنید و درگذرید تا خدا فرمان خویش را بیاورد که خدا بر هر کاری تواناست.

کمک مالی به دیگران نمی‌کند، از ولیّ امر زمان خود اطاعت نمی‌پذیرد و... در واقع در همه این موارد، یکی از مشکلات این است که شخص مسلمان نسبت به امر و نهی الهی اعتراض دارد. در فرمان به صفح نسبت به افرادی که به ما ظلم کرده‌اند - به ویژه اگر توانایی انتقام از آن‌ها را داشته باشیم - نیز ممکن است چنین مشکلی رخ بنماید که فرد بگوید چرا خدا چنین امری کرده است؟ من باید انتقام بگیرم. توجه به قدرت الهی که منشأ آن خالقیت و مالکیت حقیقی خداست (ر.ک: اسراء/ ۹۹؛ یس/ ۸۱؛ احقاف/ ۳۳؛ ...)، پس از امر به صفح می‌تواند اشاره به این باشد که خداوند قادر است هر حکمی بکند و بنده هم اگر می‌خواهد به کمال و سعادت برسد، باید آن را فرمانبردار باشد. به همین دلیل، بسیاری از مفسران، قدرت الهی در آیه مذکور را به قدرت مطلق فرمانروایی و صدور هر گونه امر و نهی تفسیر کرده‌اند (حسینی همدانی، ۱۳۸۰: ۲۹۲/۱؛ طوسی، بی‌تا: ۳۱۲/۱).

مانع سوم روانی برای صفح از دیگران، این است که انسانی که به او ظلم و تجاوز شده است، چنانچه بخواهد از ظالم بگذرد - به ویژه با خوشرویی - احساس خواری و ذلت به او دست می‌دهد. ایمان به قدرت بی‌پایان الهی و اینکه قدرت حقیقی از آن اوست، هر که را بخواهد، نیرو می‌بخشد و هر که را بخواهد، ذلیل می‌گرداند، به انسان مؤمن کمک می‌کند تا بر این مانع روان‌شناختی هم فائق آید. از همین رو برخی از مفسران، قدرت الهی را در این آیه، به همین معنا (هر که را بخواهد نیرو می‌دهد و پیروز می‌گرداند و هر که را بخواهد ضعیف می‌گرداند و مغلوب می‌کند) تفسیر کرده‌اند (ثقفی تهرانی، ۱۳۹۸: ۱۵۸/۱؛ طیب، ۱۳۶۹: ۱۴۹/۲؛ طالقانی، ۱۳۶۲: ۲۶۷/۱).

نتیجه آنکه بر اساس آرای تفسیری، توجه به قدرت لایزال الهی از سه جهت واگذاری انتقام به او، لزوم فرمانبرداری از او و رفع احساس خواری و ذلت می‌تواند بر صفح از دیگران تأثیر گذارد. به همین دلیل، خداوند پس از دستور به صفح، مؤمنان را متوجه صفت قدرت خود می‌کند و با تقویت این انگاره اعتقادی، آنان را به صفح ترغیب می‌کند. البته می‌توان وجوه دیگری نیز در تبیین رابطه توجه به قدرت الهی و صفح بیان کرد، ولی با توجه به اینکه روش تحقیق حاضر، مبنا قرار دادن آرای مفسران و اجتناب از تحلیل‌های شخصی است، به همین مقدار بسنده می‌شود. این نکته مهم روشی در ادامه تحقیق نیز مورد توجه است.

۲-۵. تأثیر اعتقاد به خالق و عالم بودن خداوند بر صفح

از دیگر صفات خداوند که از دیدگاه قرآن، باور به آن‌ها تأثیر شگرفی بر گذشت و بخشش دیگران دارد، خالقیت و علم خداوند است. البته این دو صفت قاعدتاً باید جداگانه بحث شوند، ولی از آنجایی که در آیه مورد نظر این پژوهش یکجا آمده‌اند و ارتباط وثیقی بین این دو وصف وجود دارد (أَلَا يَعْلَمُ مَنْ خَلَقَ) و همچنین برای اجتناب از اطناب، در این بحث از هم تفکیک نشده‌اند. خدای سبحان با واژه‌هایی همچون «خلق، صنع، بدیع، فاطر، باری، جعل، وجد، علم، بصیر، خبیر و...» در قرآن به این دو صفت اشاره کرده است. اعتقاد به علم و خالقیت الهی، آثار و برکات زیادی در حوزه رفتار انسانی دارد. در قرآن بارها به این رابطه مهم تصریح شده است که از جمله آن‌ها می‌توان به ارتباط اعتقاد به علم الهی با انفاق (بقره/۲۶۵)، وفای به عهد (نحل/۹۱)، عدم بخل ورزیدن (نساء/۳۷، ۳۹ و ۴۰)، آداب معاشرت (مجادله/۱۱) و رابطه باور به خالقیت خداوند با عفو و گذشت (حجر/۸۵-۸۶)، با عبادت (انعام/۱۰۲)، پذیرش ولایت الهی (رعد/۱۶) و مانند آن‌ها اشاره کرد.

خداوند در آیات شریفه ﴿وَمَا خَلَقْنَا السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا إِلَّا بِالْحَقِّ وَإِنَّ السَّاعَةَ لَأْتِيَةٌ فَاصْفَحِ الصَّفْحَ الْجَمِيلَ ۝ إِنَّ رَبَّكَ هُوَ الْخَلَّاقُ الْعَلِيمُ﴾^۱ (حجر/۸۵-۸۶)، بر رابطه بین اعتقاد به خلاق و علیم بودن خداوند و صفح تأکید می‌فرماید و بعد از هدف خلقت و آمدن قیامت، به صفح جمیل پیامبر اکرم ﷺ فرمان می‌دهد. از آنجا که گرفتاری همیشگی انسان به خاطر نداشتن یک عقیده صحیح و خلاصه پایبند نبودن به مبدأ و معاد است، پس از شرح حالات اقوامی همچون اقوام لوط و شعیب و صالح که گرفتار آن همه بلا شدند، به مسئله «توحید و معاد» باز می‌گردد و در یک آیه به هر دو اشاره می‌کند: ﴿وَمَا خَلَقْنَا السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا إِلَّا بِالْحَقِّ﴾؛^۲ هم نظام حاکم بر آن‌ها حق و حساب شده است و هم هدف آفرینش آن‌ها حق است.

صاحب تفسیر المیزان می‌فرماید جمله ﴿فَاصْفَحِ الصَّفْحَ الْجَمِيلَ﴾ تفریع بر مطالب قبلی

۱. و ما آسمان‌ها و زمین و آنچه را که میان آن دو است، جز به حق نیافریده‌ایم و یقیناً قیامت فرا خواهد رسید. پس به خوبی صرف نظر کن؛ زیرا پروردگار تو همان آفریننده داناست.
 ۲. ما آسمان‌ها و زمین و آنچه را که میان آن دو است، جز به حق نیافریدیم.

است و فاء تفریع چنین معنایی به آن می‌دهد و «حال که خلقت عالم به حق است و روزی هست که اینان در آن روز محاسبه و مجازات می‌شوند، پس دیگر به فکر تکذیب و استهزاء آنان نباش و از آنان درگذر، بدون اینکه عتاب یا مناقشه و جدایی کنی، برای اینکه پروردگار، تو و ایشان را آفریده و از وضع تو و حال ایشان باخبر است. در آینده روزی است که در آن روز هیچ چیزی فوت نمی‌شود. از همین جا روشن می‌شود که جمله ﴿إِنَّ رَبَّكَ هُوَ الْخَلَّاقُ الْعَلِيمُ﴾ تعلیل برای جمله ﴿فَاصْفَحْ الصَّفْحَ الْجَمِيلَ﴾ است» (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۱۲/۲۸۰-۲۸۱).

مهم‌ترین نکته‌ای که در تبیین رابطه اعتقاد به خالقیت و عالم بودن خدای متعال با گذشت کریمانه از دیگران می‌توان طرح کرد این است که صرف توجه به اینکه وجود لایتناهی الهی ناظر بر اعمال بندگان است، تأثیر عمیقی بر رفتارهای انسان به ویژه در مقابله با سختی‌ها و ظلم‌هایی که به او می‌شود، دارد. لذا در برخی آیات، امر به صبر معلل به نظارت الهی شده است: ﴿وَاصْبِرْ لِحُكْمِ رَبِّكَ فَإِنَّكَ بِأَعْيُنِنَا﴾ (طور/۴۸). توجه به نظارت خداوند بر عالم هستی و آشکار و پنهان انسان‌ها، نقش بسزایی در عفو و رفتار خداپسندانه با آن‌هایی دارد که ظلمی بر ما روا داشته‌اند. بسیاری از مفسران، جمله ﴿إِنَّ رَبَّكَ هُوَ الْخَلَّاقُ الْعَلِيمُ﴾ را علت حکم به صفح دانسته و چنین توضیح داده‌اند که چون خداوند خالق ما و آن‌هاست و به آنچه می‌کنیم، آگاه است، پس باید رفتار کریمانه‌ای (گذشت همراه با خوشرویی) با آنان داشت (طبرسی، ۱۴۱۲: ۳/۳۵۶؛ شاه‌عبدالعظیمی، ۱۳۶۳: ۱۴۱/۷؛ طبرسی، بی‌تا: ۲/۲۱۳).

توضیح دیگری نیز درباره رابطه اعتقاد به خالقیت و عالمیت باری تعالی با صفح از دیگران گفته شده و آن این است که توجه به خالق بودن خداوند و اینکه آگاه به همه هستی از جمله بندگان است، موجب پذیرش احکام و تکالیف الهی از جمله صفح است. اگر انسان اعتقاد قلبی داشته باشد به اینکه خداوند خالق اوست، پس به همه زوایای وجودی او علم دارد، بنابراین بهتر از هر کس دیگری به آنچه موجب صلاح و فساد اوست، آگاه است، پس اگر حکم می‌کند به اینکه در مقابل افرادی که به نوعی به ما ظلم کرده‌اند، گذشت کنیم، حتماً این کار برای ما بهتر است (شاه‌عبدالعظیمی، ۱۳۶۳: ۱۴۱/۷؛ قرائتی، ۱۳۸۸: ۴/۴۷۷؛ تقفی، ۱۳۹۸: ۳/۲۶۳).

از نکات جالب توجه در آیه شریفه آن است که به جای وصف خالق، از خلاق استفاده شده است. خلاق بر وزن فَعَال، صیغه مبالغه است و این معنا را افاده می‌کند که خداوند خالق همه چیز است. به تعبیر دیگر، به جای اینکه بفرماید: «اللَّهُ خَالِقُ كُلِّ شَيْءٍ»، می‌فرماید: «هُوَ الْخَالِقُ». لذا در بسیاری از تفاسیر، این گونه معنا کرده‌اند که خداوند خالق تو و آن‌هاست (طبرسی، ۱۳۷۷: ۲/۲۷۱؛ ابن عاشور، بی‌تا: ۶۲/۱۳؛ زمخشری، ۱۴۰۷: ۳/۵۸۷). وصف علیم هم به همین صورت دلالت بر مبالغه دارد و مقصود آگاهی خداوند از همه امور، از جمله حال مؤمنان و کافران است (همان).

بنابراین توجه به خلاقیت و علیم بودن خداوند و توجه به آفرینش خلاق و اینکه او می‌داند عفو و گذشت در روح فرد و جامعه و جذب و رشد مردم، چه اثری دارد و به تحقیق می‌داند که الآن، «گذشت» اصلح است، می‌تواند در صفح تأثیرگذار باشد. به همین دلیل خداوند پس از دستور صفح، این دو انگاره اعتقادی را تقویت می‌کند تا مؤمنان پذیرش راحت‌تری نسبت به فرمان الهی به صفح داشته باشند.

۵-۳. تأثیر اعتقاد به غفور و رحیم بودن خداوند بر صفح

یکی دیگر از صفات الهی که از دیدگاه قرآن، باور به آن تأثیر شگرفی بر گذشت و بخشش دیگران دارد، صفت غفار و رحیم بودن خداوند است. واژه غفر و مشتقات آن، ۲۳۴ بار در قرآن استعمال شده است که بیش از ۹۰ مورد آن، همراه با صفات رحیم، ودود، عفو و حلیم آمده و از این موارد، ۴ مورد با صیغه مبالغه غَفَّار و ۹۱ مورد با صیغه مبالغه غفور ذکر شده است. غفران از ماده «غفر» بوده و در لغت به معنای پوشیدن چیزی است که انسان را از زشتی حفظ می‌کند و در اصطلاح قرآنی به این معناست که خداوند عیوب و گناهان بندگان نادم را می‌پوشاند و آن‌ها را از عذاب و کیفر حفظ کرده و اثر گناه را محو می‌نماید (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۶۰۹). رحمت در انسان به معنای دل‌نازک بودن، و در خداوند به معنای روزی دادن و احسان و عفو و بخشش و... می‌باشد (همان: ۱۹۱؛ طباطبایی، ۱۳۷۴: ۱/۲۳).

اعتقاد به غفور بودن و رحیم بودن خداوند، آثار و برکات فراوانی در حوزه رفتار انسانی دارد. در قرآن بارها به این رابطه مهم تصریح شده است که از جمله آن‌ها

می‌توان به رابطه غفور بودن با انفاق (نور/ ۲۲) و رحیم بودن خداوند با امر به معروف و نهی از منکر (توبه/ ۷۱)، مودت و نوع دوستی (حجرات/ ۱۰) و دور شدن از بلایا (اعراف/ ۷۲) اشاره کرد.

خداوند در آیات شریفه **﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّ مِنْ أَزْوَاجِكُمْ وَأَوْلَادِكُمْ عَدُوًّا لَكُمْ فَاحْذَرُوهُمْ وَإِن تَعَفُوا وَتَصْفَحُوا وَتَغْفِرُوا فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ﴾** (تغابن/ ۱۴) و **﴿وَلَا يَأْتَلِ أُولُوا الْفَضْلِ مِنْكُمْ وَالسَّعَةِ أَن يُؤْتُوا أُولَى الْقُرْبَى وَالْمَسَاكِينَ وَالْمُهَاجِرِينَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلْيَعْفُوا وَلْيَصْفَحُوا أَلَا تُحِبُّونَ أَن يَغْفِرَ اللَّهُ لَكُمْ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ﴾**^۲ (نور/ ۲۲)، پس از دستور به صفح، مسلمانان را متوجه دو صفت غفران و رحمت الهی کرده است.

در تمام قرآن، سه واژه عفو، صفح و مغفرت، پشت سر هم نیامده است، جز در مورد زندگی خانوادگی با همسر و فرزند؛ یعنی حتی در مواردی نیز که همفکری نیست، باید از آنان بر حذر بود و باز هم عفو و صفح و مغفرت را رعایت کرد. پس انسان‌ها باید در مسیر رسیدن به کمال، ابتدا عفو و در درجه بالاتر صفح داشته باشند تا بدین‌وسیله به مغفرت و غفران الهی نائل شوند. عفو به معنای گذشت و صفح به معنای ترک سرزنش و مغفرت به معنای از یاد بردن و به فراموشی سپردن است و این سه امر (عفو و صفح و مغفرت)، سه گام در برخورد با خطاهای دیگران است (قرائتی، ۱۳۸۸: ۸۷/۱۰؛ قرشی، ۱۳۷۱: ۱۳۲/۴).

جبائی گوید: این مطلب تعمیم دارد؛ یعنی اگر شما از کسی که بر شما ستم نمود، گذشتید و از او صرف نظر نمودید، پس البته خدا به سبب این گذشت شما، بسیاری از گناهان شما را می‌بخشد (طبرسی، بی‌تا: ۷۶/۲۵). پس اگر از روی دلسوزی و امیدواری به اصلاح آنان، آن‌ها را مورد عفو و بخشش قرار دهید، خداوند هم با شما رفتار به مثل خواهد کرد؛ چون او رحم می‌کند به هر کس که به دیگران رحم کند و می‌آمرزد کسانی را که دیگران را مورد آمرزش قرار می‌دهند؛ البته در جایی که رحمت و آمرزش، به‌جا و نیکو

۱. ای کسانی که ایمان آورده‌اید، در حقیقت برخی از همسران شما و فرزندان شما دشمن شما هستند. از آنان بر حذر باشید و اگر ببخشاید و درگذرید و بیامرزد، به راستی خدا آمرزنده مهربان است.
۲. و سرمایه‌داران و فراخ‌دولتان شما نباید از دادن [مال] به خویشاوندان و تهیدستان و مهاجران راه خدا دریغ ورزند و باید عفو کنند و گذشت نمایند. مگر دوست ندارید که خدا بر شما ببخشاید؟ و خدا آمرزنده مهربان است.

باشد، وگرنه برخی گناهان را در هیچ حالتی نمی‌توان نادیده گرفت (مغنیه، ۱۳۷۸: ۵۶۹/۷). در مورد چگونگی ارتباط بین اعتقاد به صفت غفران و رحمت الهی با عفو و گذشت از آن‌های که به ما ظلم کرده‌اند و خوشرویی و بزرگواری نسبت به آن‌ها، دو تحلیل اساسی گفته شده است:

اول آنکه یکی از اصول مهم رفتار خداوند با بندگان، مقابله به مثل است؛ یعنی از آیات قرآن به دست می‌آید که هر گونه ما با بندگان خدا رفتار کنیم، خدا نیز با ما رفتار خواهد کرد. انسانی که به او ظلم شده است و با تمام وجود، خواهان انتقام از ظلم‌کننده است، اگر توجه کند که خود او نیز مرتکب گناهی است و نیازمند غفران الهی، و نیز بداند که چنانچه دیگران را عفو کند، خداوند او را عفو می‌کند: ﴿أَلَا تُحِبُّونَ أَنْ يَغْفِرَ اللَّهُ لَكُمْ﴾، پس انگیزه لازم برای عفو همراه با بزرگواری و نیک‌وجهی را پیدا می‌کند و به آسانی از دیگران می‌گذرد. عده‌ای از مفسران در تحلیل ارتباط صفا با اعتقاد به غفران و رحمت الهی در دو آیه مذکور، همین مطلب را فرموده‌اند (همان؛ مکارم شیرازی، ۱۳۸۳: ۴۱۵/۱۴؛ طیب، ۱۳۶۹: ۵۱۲/۹-۵۱۳).

تبیین دیگری که در این زمینه (رابطه بین اعتقاد به غفور و رحیم بودن خداوند و صفا از دیگران) وجود دارد و شاید از جهتی دقیق‌تر و ظریف‌تر از تبیین پیشین باشد، این است که یکی از صفات خداوند، عفو و صفا از بندگان ظالم و گناهکار است. بنابراین چنانچه فردی دیگران را مورد عفو و صفا قرار دهد، رفتاری خداگونه کرده و از این جهت شبیه او شده است. اتصاف انسان به اوصاف الهی و به تعبیری خداگونه‌گی انسان، از توصیه‌هایی است که به نوعی از آیات: ﴿إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً﴾ و روایات مانند «خلق الله آدم علی صورته» و اندیشه‌های ناب علمای بزرگ به دست می‌آید که در جای خود نیازمند بحث مفصل است. در هر صورت، بسیاری از مفسران در پی آمدن جمله ﴿إِنَّ اللَّهَ عَفُورٌ رَحِيمٌ﴾ پس از دستور به عفو، صفا و غفران را به همین گونه (یعنی خداگونه شدن) تحلیل کرده‌اند (شاه‌عبدالعظیمی، ۱۳۶۳: ۲۰۰/۱۳-۲۲۱؛ طباطبایی، ۱۳۷۴: ۵۱۷/۱۹؛ کاشانی، بی‌تا: ۲۶۷/۶).

نتیجه آنکه اگر انسان توجه داشته باشد با وجودی که می‌تواند حق خود را بگیرد، از آن بگذرد و جهالت و نادانی دیگران را نادیده بگیرد و اهل تساهل و تسامح باشد،

خداوند نیز با او چنین رفتاری می‌کند، به راحتی از دیگران گذشت می‌کند. به همین دلیل، خداوند متعال همزمان با دستور صفح، دو انگاره اعتقادی یعنی غفران و رحمت الهی را در درون مؤمنان تقویت می‌کند تا دستور صفح به سهولت اطاعت شود.

۴-۵. اعتقاد به محبت خدا نسبت به محسنین و تأثیر آن بر صفح

یکی دیگر از صفات خداوند که از دیدگاه قرآن، باور به آن تأثیر شگرفی بر گذشت و بخشش دیگران دارد، دوست داشتن نیکوکاران است. واژه حَبَّ به معنای دوست داشتن، محبت و نقیض بغض است (ابن منظور، ۱۴۱۴: ۲۸۹/۱) و در قرآن بارها به شکل مصدری مانند ﴿وَالَّذِينَ آمَنُوا أَشَدُّ حُبًّا لِلَّهِ﴾ (بقره/ ۱۶۵) یا فعلی در باب افعال مانند ﴿إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ﴾ (بقره/ ۱۹۵) و در باب استفعال مانند ﴿الَّذِينَ يَسْتَجِيبُونَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا عَلَىٰ الْآخِرَةِ﴾ (ابراهیم/ ۳) و یا در باب تفعیل مانند ﴿وَلَكِنَّ اللَّهَ حَبَبٌ إِلَيْكُمُْ الْإِيمَانَ﴾ (حجرات/ ۷) آمده است. طریحی در مجمع‌البحرین می‌گوید: معنای محبت خداوند به بندگان آن است که به ایشان نعمت و توفیق اطاعت دهد و به دین مرضی خود هدایت کند (طریحی، ۱۳۷۵: ۳۱/۲). خداوند در قرآن محبت خود را نسبت به محسنین (بقره/ ۱۹۵: آل عمران/ ۱۳۴)، توابین (بقره/ ۲۲۲)، مطهرین (بقره/ ۲۲۲: توبه/ ۱۰۸)، متقین (آل عمران/ ۷۶: توبه/ ۴ و ۷)، صابرین (آل عمران/ ۱۴۶) و مقسطین (ممتحنه/ ۸) بیان داشته است.

بیشترین تکرار در قرآن در حوزه محبت خداوند، مربوط به محسنین است (بقره/ ۱۹۵: آل عمران/ ۱۳۴ و ۱۴۸: مائده/ ۱۳ و ۹۳). اعتقاد به محبت خداوند نسبت به محسنین، آثار و برکات متعددی در حوزه رفتار انسانی دارد. به همین دلیل در قرآن، بارها به این رابطه مهم تصریح شده است.

خداوند در آیه شریفه ﴿فِيمَا نَقُضُهُمْ مِيثَاقَهُمْ لَعَنَّاهُمْ وَجَعَلْنَا قُلُوبَهُمْ قَاسِيَةً يُحَرِّفُونَ الْكَلِمَ عَنْ مَوَاضِعِهِ وَنَسُوا حَظًّا مِمَّا ذُكِّرُوا بِهِ وَلَا تَزَالُ تَطَّلِعُ عَلَىٰ خَائِنَةٍ مِنْهُمْ قَاعُفٌ عَنْهُمْ وَأَصْفَحَ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ﴾^۱ (مائده/ ۱۳)، بر رابطه بین محبت خدا نسبت به محسنین با صفح تأکید

۱. پس به [سزای] پیمان‌شکستشان لعنتشان کردیم و دل‌هایشان را سخت گردانیدیم. [به طوری که] کلمات را از مواضع خود تحریف می‌کنند و بخشی از آنچه را بدان اندرز داده شده بودند، به فراموشی سپردند. و تو همواره بر خیانتی از آنان آگاه می‌شوی، مگر [شماری] اندک از ایشان [که خیانتکار نیستند]. پس از آنان درگذر و چشم‌پوشی کن که خدا نیکوکاران را دوست می‌دارد.

می‌فرماید. از نکات جالب توجه این است که دستور صفح در آیه شریفه نسبت به یهودیانی است که پیمان‌شکنی کردند و عفو و اغماض ظاهراً برای آن است که باید با این گونه اشخاص مدارا کرد که نهضت و انقلاب به راه خود ادامه دهد و آن‌ها به تدریج ذوب شده و از بین بروند. این عمل از جمله نیکوکاری است و خداوند نیکوکاران را دوست دارد (قرشی، ۱۳۷۵: ۳۸/۳).

در این آیه می‌فرماید: ﴿فِيمَا نَقَضْتُمْ مِيثَاقَهُمْ لَعَانَهُمْ وَجَعَلْنَا قُلُوبَهُمْ قَاسِيَةً﴾؛ یعنی چون آن‌ها پیمان خود را نقض کردند، ما آن‌ها را طرد کردیم و از رحمت خود دور ساختیم و دل‌های آن‌ها را سخت و سنگین نمودیم. در حقیقت آن‌ها به جرم پیمان‌شکنی، با این دو مجازات کیفر دیدند؛ هم از رحمت خدا دور شدند و هم افکار و قلوب آن‌ها متحجر و غیر قابل انعطاف شد. در پایان به پیامبر ﷺ دستور می‌دهد که از آن‌ها صرف نظر کند و چشم ببوشد؛ زیرا خداوند نیکوکاران را دوست دارد: ﴿فَاعْفُ عَنْهُمْ وَاصْفَحْ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ﴾ (مکارم شیرازی، ۱۳۸۳: ۴/۳۱۵).

در واقع در آیه شریفه، یک جمله محذوف است و آن این است که «صفح از مصادیق احسان است». لذا گفته شده که جمله ﴿إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ﴾ تعلیل امر است به صفح و حث بر آن و تنبیه بر آنکه عفو از کافران خائن، احسان است تا چه رسد که از غیر آنان باشد (کاشانی، بی‌تا: ۲۰۵/۳) که از جمله نکوکاری عفو است از مستحق عقوبت (ابوالفتوح رازی، ۱۴۰۸: ۶/۳۰۳). فخر رازی در تفسیر کبیر (مفاتیح الغیب) از قول ابن عباس معنای آیه را چنین نقل می‌کند:

«اگر عفو کنی، پس تو نیکوکار هستی و هنگامی که نیکوکار باشی، خداوند تو را دوست دارد» (فخرالدین رازی، ۱۴۲۰: ۱۱/۳۲۶).

امام باقر علیه السلام فرمود: «پشیمانی بر عفو بهتر و آسان‌تر است از پشیمانی بر انتقام و عقوبت» (مجلسی، بی‌تا: ۴۰۰/۷۱، ح ۴) و همین قدر در فضل عفو و احسان کافی است که از صفات ذات اقدس الهی است (شاه‌عبدالعظیمی، ۱۳۶۳: ۳/۴۳).

نتیجه آنکه عفو و صفح از مصادیق احسان است. عفو و گذشت کردن از کافر نیز احسان و نیکی است و نیکوکار، محبوب خداست. از همین رو، خداوند با توجه دادن به این اصل مهم (خداوند محسنین را دوست دارد)، مؤمنان را ترغیب به صفح می‌کند.

نتیجه‌گیری

یکی از مهم‌ترین روش‌های قرآن برای ترغیب به اعمال صالح، تقویت انگاره‌های اعتقادی مرتبط با آن عمل است و صفح از جمله اعمال شایسته‌ای است که بارها در قرآن به آن دستور داده شده است. از دیدگاه قرآن، مهم‌ترین راهبرد تربیتی برای صدور چنین رفتاری (صفح) از سوی مؤمنان در جامعه اسلامی، توجه و باور قلبی به خدا، اوصاف و افعال اوست. هر قدر این باورها در دل انسان عمیق‌تر باشد، رفتارهای کریمانه بیشتری از او سر می‌زند.

بر اساس آموزه‌های قرآنی، توجه به قدرت لایزال الهی موجب رفع موانع روان‌شناختی صفح، فروکش کردن حس انتقام‌جویی از خطاکار و عدم احساس حقارت از سوی صفح‌کننده می‌شود. همچنین باورداشت خالقیت و علم خداوند، زمینه پذیرش بیشتر حکم به صفح نسبت به خطاکاران را فراهم می‌کند. اعتقاد به غفران و رحمت الهی نیز موجب تشویق و ترغیب صفح‌کننده است؛ زیرا بشارت بخشش خطاهای صفح‌کننده و یا همانندی او با خدای متعال را در پی دارد.

بنابراین بر اساس آموزه‌های قرآنی، ایجاد، رشد و تعمیق باورهای توحیدی، نقش بسیار مهم و اساسی در بروز و گسترش رفتارهای خداپسندانه - از جمله صفح - در جامعه مسلمانان دارد و این اصل، یکی از مهم‌ترین اصول تربیتی قرآنی است که خانواده‌ها و حکومت اسلامی باید توجه ویژه‌ای به آن داشته باشند. انتظار صدور افعال شایسته بدون زمینه‌سازی روانی و اعتقادی، اساساً نابه‌جا، غیر منطقی و مخالف با روش قرآنی است.

کتاب‌شناسی

۱. قرآن کریم، ترجمه فولادوند.
۲. ابن عاشور، محمدطاهر، *تفسیر التحریر و التنویر*، تونس، الدار التونسية للنشر، ۱۹۸۴ م.
۳. ابن منظور افریقی مصری، ابوالفضل جمال‌الدین محمد بن مکرم، *لسان العرب*، تحقیق جمال‌الدین میردامادی، چاپ سوم، بیروت، دار صادر، ۱۴۱۴ ق.
۴. ابوالحسن تنهایی، حسین، و شمس‌ی خرمی، «بررسی رابطه جامعه‌شناختی باورهای دینی و سبک زندگی بر اساس نظریه و روش گافمن، مطالعه موردی کرمانشاه، سال ۱۳۸۸»، *فصلنامه پژوهش اجتماعی*، سال سوم، شماره ۶، بهار ۱۳۸۹ ش.
۵. ابوالفتح رازی، حسین بن علی، *روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن*، مشهد، بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی، ۱۴۰۸ ق.
۶. ثقفی تهرانی، محمد، *روان جاوید در تفسیر قرآن مجید*، چاپ دوم، تهران، برهان، ۱۳۹۸ ق.
۷. جوهری، اسماعیل بن حماد، *الصحاح، تاج اللغة و صحاح العربیه*، تحقیق و تصحیح احمد عبدالغفور عطار، بیروت، دار العلم للملایین، ۱۳۷۶ ق.
۸. حسینی شاه‌عبدالعظیمی، حسین بن احمد، *تفسیر اثنی عشری*، تهران، میقات، ۱۳۶۳ ش.
۹. حسینی واسطی زبیدی، سیدمحمد مرتضی بن محمد، *تاج العروس من جواهر القاموس*، بیروت، دار الهدایه، ۱۴۱۴ ق.
۱۰. حسینی همدانی، سیدمحمد، *انوار درخشان در تفسیر قرآن*، تهران، لطفی، ۱۳۸۰ ش.
۱۱. راغب اصفهانی، ابوالقاسم حسین بن محمد، *المفردات فی غریب القرآن*، تحقیق صفوان عدنان داوودی، بیروت - دمشق، دار العلم - الدار الشامیه، ۱۴۱۲ ق.
۱۲. رفعت‌جاه، مریم، و زینب وفادار، «سبک زندگی و نسبت آن با هویت دینی»، *فصلنامه مطالعات توسعه اجتماعی - فرهنگی*، دوره سوم، شماره ۲، پاییز ۱۳۹۳ ش.
۱۳. زمخشری، جبارالله محمود بن عمر، *الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل و عیون الاقوال فی وجوه التأویل*، بیروت، دار الکتب العربی، ۱۴۰۷ ق.
۱۴. شریفی، احمدحسین، *سبک زندگی اسلامی - ایرانی*، به سفارش مرکز پژوهش‌های علوم اسلامی، تهران، صدرا، آفتاب توسعه، ۱۳۹۰ ش.
۱۵. شعرانی، ابوالحسن، *تشرطوبی*، تهران، کتابفروشی اسلامی، ۱۳۵۷ ش.
۱۶. صاحب، اسماعیل بن عباد، *المحیط فی اللغة*، تحقیق محمد آل یس، بیروت، عالم الکتب، ۱۴۱۴ ق.
۱۷. صدوق، محمد بن علی بن حسین بن موسی بن بابویه قمی، *الامالی*، تهران، کتابچی، ۱۳۷۸ ش.
۱۸. طالقانی، سیدمحمود، *پرتوی از قرآن*، چاپ چهارم، تهران، شرکت سهامی انتشار، ۱۳۶۲ ش.
۱۹. طباطبایی، سیدمحمدحسین، *ترجمه تفسیر المیزان*، ترجمه سیدمحمدباقر موسوی همدانی، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۷۴ ش.
۲۰. طبرسی، امین‌الاسلام ابوعلی فضل بن حسن، *ترجمه تفسیر جوامع الجامع*، قم، مرکز مدیریت حوزه علمیه قم، ۱۴۱۲ ق.
۲۱. همو، *ترجمه تفسیر مجمع البیان*، تهران، فراهانی، بی تا.
۲۲. همو، *ترجمه مجمع البیان فی تفسیر القرآن*، تهران، ناصر خسرو، ۱۳۸۲ ش.
۲۳. طریحی، فخرالدین بن محمد، *مجمع البحرین*، تحقیق سیداحمد حسینی اشکوری، چاپ سوم، تهران،

- المكتبة المرتضوية، ۱۳۷۵ ش.
۲۴. طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، *التبيان في تفسير القرآن*، بيروت، دار احیاء التراث العربی، بی تا.
۲۵. طیب، سید عبدالحسین، *اطیب البیان فی تفسیر القرآن*، چاپ دوم، تهران، اسلام، ۱۳۶۹ ش.
۲۶. فخرالدین رازی، ابو عبدالله محمد بن عمر، *التفسیر الکبیر؛ مفاتیح الغیب*، چاپ سوم، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۲۰ ق.
۲۷. فراهیدی، خلیل بن احمد، *کتاب العین*، قم، هجرت، ۱۴۰۹ ق.
۲۸. فیروزآبادی، محمد بن یعقوب، *القاموس المحیط*، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۵ ق.
۲۹. قرائتی، محسن، *تفسیر نور*، تهران، مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن، ۱۳۸۸ ش.
۳۰. قرشی، سیدعلی اکبر، *تفسیر احسن الحدیث*، چاپ دوم، تهران، بنیاد بعثت، ۱۳۷۵ ش.
۳۱. همو، *قاموس قرآن*، چاپ ششم، تهران، دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۷۱ ش.
۳۲. کاشانی، ملافتح‌الله بن شکرالله، *تفسیر کبیر منهج الصادقین فی الزام المخالفین*، تهران، کتابفروشی اسلامیه، بی تا.
۳۳. کاشفی، کمال‌الدین حسین بن علی، *مواهب علیّه یا تفسیر حسینی*، به اهتمام شاه‌ولی‌الله احمد بن عبدالرحیم، سراوان، کتابفروشی نور، بی تا.
۳۴. گرامی، غلامحسین، و نرگس جعفری، «بررسی آیات انفاق، با رویکرد انگیزشی در تفسیر المیزان»، *فصلنامه مطالعات تفسیری*، سال دهم، شماره ۴۰، زمستان ۱۳۹۸ ش.
۳۵. مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی، *بحار الانوار الجامعة لدرر اخبار الائمة الاطهار علیهم السلام*، تحقیق سیدجواد علوی، تهران، دار الکتب الاسلامیه، بی تا.
۳۶. مغنیه، محمدجواد، *ترجمه تفسیر کاشف*، قم، بوستان کتاب، ۱۳۷۸ ش.
۳۷. مکارم شیرازی، ناصر، *تفسیر نمونه*، تهران، دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۸۳ ش.
۳۸. مهدوی کنی، محمدسعید، *دین و سبک زندگی*، تهران، دانشگاه امام صادق علیه السلام، ۱۳۸۶ ش.
۳۹. نیازی، محسن، و محمد کارکنان نصرآبادی، «بررسی رابطه بین میزان دینداری و سبک زندگی شهروندان، مطالعه موردی شهروندان شهرستان کاشان در سال ۱۳۹۰»، *فصلنامه برنامه‌ریزی رفاه و توسعه اجتماعی*، شماره ۱۶، پاییز ۱۳۹۲ ش.
40. Bourdieu, Pierre, *Distinction: A Social Critique of the Judgement of Taste*, London, Routledge, 2013.
41. Chin, Jean Lau (Ed.), *Diversity in Mind and in Action*, London, Oxford, 2009.
42. Krieger, Jesse, *Lifestyle Entrepreneur*, New York, Morgan James, 2014.
43. Mead, Jean & Ruth Nason, *How do the beliefs of Christians influence their actions?*, London, Evans Brothers, 2008.
44. Moonie, Neil & Kip Chan Pensley & Beryl Stretch & Caroline Price (Eds.), *Health and Social Care*, London, Oxford, 2000.
45. Walters, Glenn D., *Lifestyle Theory: Past, Present & Future*, New York, Nova Sciene Publishers, 2006.